

أ - در تعالیم راجعه بصحّت بدن و تربیت و آداب و اخلاق و شؤون متفرّعه بر آنها

از حضرت بهاء الله در لوحی است . **قوله جلّ و علا** : بسم الله الرحمن الرحيم مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان بر راستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شوند هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود مقام انسان بلند است اگر به انسانیت مزین و الا پستتر از جمیع مخلوق مشاهده میشود بگو ای دوستان امروز را غنیمت شمردید و خود را از فیوضات بحر تعالی محروم ننمائید از حق میطلبیم جمیع را بطراز عمل پاک و خالص درین یوم مبارک مزین فرماید آنّه هو المختار .

و قوله عزّ کبریائه : بعض عقول شاید بعض حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق ننمایند و لکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما ینتفع به الناس جاری شده احدی انکار ننموده و نمی نماید مگر آنکه بالمرّه از عقل محروم باشد اگر احبای الهی به طراز امانت و صدق و راستی مزین نمانند ضرّش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس محل امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربّانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و من ورائهما قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه .

و قوله عظم برهانه : ای فرزندان کنیز من لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود چه در اقوال کلّ شریک اند و لکن افعال پاک و مقدّس مخصوص دوستان ماست پس بجان سعی نمائید تا بافعال از جمیع ناس ممتاز شوید کذلک نصحناکم فی لوح قدس منیر .

و قوله الاعلی : باید بکمال حکمت بانچه مصلحت امر مشاهده میشود ناظر باشد و عامل گردید و اعمال مقدم است بر اقوال عمل طیب ممیز بوده و خواهد بود .

و قوله الاعزّ الاحلى : رأسُ الايمانِ هُوَ التقلُّلُ في القولِ و التكثرُ في العملِ و مَنْ كانَ اقواله ازيدَ من اعمالِه فاعلموا انَّ عدمه خيرٌ من وجوده و فنائه احسنُ من بقاءه .

و قوله الاقدس الابي : زينوا انفسكم بطرازِ الاعمالِ و الذي فازَ بالعملِ في رضاهُ انه من اهلِ الهاءِ قد كانَ لدى العرشِ مذكوراً .

و در لوحی خطاب بزین المقربین است : قل يا قوم تمسّكوا بما أمرتم به في الكتاب و زينوا انفسكم بالاخلاقِ التي امرنا الكلَّ بها في لوحٍ مبينٍ انّ الذي عملَ بما امره الله انه من اهلِ الهاءِ يشهد بذلك الملاء الاعلى و الذي نبذه انه من الغافلين .

و در لوحی خطاب به حاجی میرزا حیدر علی است : يا حيدر قبل على عليك بهاء الله قل انّ الانسان يرتفع بامانته و عقته و عقله و اخلاقه و يهبطُ بخيانتته و كذبه و جهله و نفاقه لعمري لا يسمو الانسان بالزينة و الثروة بل بالأدابِ و المعرفة .

و قوله : لعمر الله سيف الاخلاق و الآداب احد من سيوف الحديد .

و در آثار حضرت عبد الهاء است قوله العزيز : فو الله الذي لا اله الا هو اليوم خدمتي بامر الله اعظم از تخلّق باخلاق نيست و مضرتي بدين الله اعظم از صفات قبيحه نه البته نفسي ضربت بر هيكل عبد الهاء زند گواراتر از اين است كه عملی ازو صدور يابد كه مخالف منقبت عالم انسانی است زیرا اين زخم را مرهم و اين ضربت را التيام ميسر اما آن جرح عظيم را التيامی نه و آن سمّ نقيع را درمانی نيست .

و قوله المحبوب : وا ما مسأله پنجم هيچ عملی در عالم وجود بی ثمر نماند اما عمل با عرفان مقبول و تام و كامل و آن اين است كه انسان بمعرفة الله فائز و به اعمال خيريّه موفّق و حائز گردد با وجود اين البته اعمال خيريّه از برای نفوس سائره ولو از عرفان بی بهره البته بی ثمر نيست يعنى دو نفس بيخبر از حق محروم از عرفان يکی عادل و ديگری ظالم يکی صادق و ديگری كاذب يکی خائن و ديگری امين يکی سبب آسایش عالم

انسانی و دیگری سبب زحمت و خونخواری و هر دو غافل از حق این دو شخص در نزد حق متساوی نیستند بلکه فرق بی‌منتهی در میان .

هو الله

ای جنود حیات شرق و غرب پرستش نجوم آفله نمایند و عبادت آفاق مظلّمه از اسّ اساس شرایع مقدّسه الهیه غافل و از فضائل و کمالات دین الله ذاهل عادات و رسومی چند را ارکان شریعت الله شمرده‌اند و بر آن معتکف گشته‌اند و خویش را مطیع و منقاد انبیاء و اولیاء شمرند و همچو گمان کرده‌اند که باعلی مراقی فلاح و نجات رسیده‌اند و حال آنکه در اسفل جهل زیستند و بکلی از مواهب الهیه محروم و بی نصیب گشتند و سبب این حرمان آنکه باسّاس اصلی پی نبردند و در ترقّی در عوالم روحانی و مقامات سامیه رحمانی نکوشیدند اساس دین الله اکتساب کمالاتست و استفاضه از فیوضات مقصد از ایمان و ایقان تزین حقایق انسانی بفیض کمالات ربّانیت اگر این حصول نیابد حقیقت حرمانست و عذاب نیران پس بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سائر ادیان بعربده و های و هوئی و لفظ بی‌معنی کفایت نمایند بلکه بجمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی‌معنی و بهائی اینست که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نماید و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خُلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقّیات نامتناهی گردد و بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرونست ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمانست .

و نیز از حضرت بهاء الله است قوله الاکد الاقوی : و دیگر بافعال و اعمالی ظاهر شده‌اند که نزدیک اسم غفار از تطهیر این فجار خجلت برد جمیع کبائر را مرتکب‌اند و از صغایر ناس را منع می‌نمایند اظهاراً لتقویهم مثل آنکه در ما حرم علیهم فی کل الاحوال تصرف نموده‌اند و بر نفس ظهور بعد که در جمیع الواح الله مرقوم که اگر بغیر حجت هم ظاهر شود نفسی سخن نالایق ذکر ننماید مع ظهور حجت و برهان باتمّها بر قتلش فتوی دادند ولکن در الواح ناریه خود می‌نویسند لا تأکلوا البصل و لا تشریوا الدّخان و امثال ذلک .

